

بررسی شرط عدم مسئولیت در فقه و حقوق ایران

صالح یمرلی^۱، زهرا وحیدی قلانلو^۲

^۱ دکترای حقوق خصوصی، عضو هیأت علمی دانشگاه گنبد کاووس

^۲ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

صالح یمرلی

چکیده

آزادی اراده انسان، امری است که در تمام نظام های حقوقی مدرن پذیرفته شده و ریشه در فطرت انسان دارد. عموم قاعده «اوفوا بالعقود»، قاعده «تسلیط» و مواد متعدد قانونی در حقوق موضوعه اعتبار شرط عدم مسئولیت را توجیه می نماید. شرط عدم مسئولیت از جمله شروط مجهول نبوده و «براء مالم یجب» نیز در مورد آن صادق نیست چرا که سبب و مقتضی چنین شرطی موجود می باشد. البته در نظام های حقوقی مختلف که پذیرای اعتبار شرط عدم مسئولیت به عنوان یک اصل هستند، در شرایط استثنایی به دلیل اهمیت اجتماعی موضوع و مغایرت با نظم عمومی، چنین شرطی در قبال فوت و آسیب های بدنی و در صورت نقض عمدی قرارداد یا وظیفه قانونی، تقصیر عمده و تدلیس باطل شناخته می شود و استناد کننده به این شرط نمی تواند برای رهایی خویش از مسئولیت به چنین شرطی استناد نماید.

واژگان کلیدی: شرط عدم مسئولیت، قرارداد، آسیب های بدنی، تقصیر عمدی.

مقدمه

انسان از یک سو موجودی است که علاقه‌مند است از هر قیدوبندی آزاد باشد و تمام سعی و تلاش خود را جهت شکستن زنجیرهایی که مانع اعمال اراده اوست به کار بندد. این اصلی است که با رجوع به فطرت بشر می‌توان به آن دست یافت و در حقوق «اصل آزادی اراده» نامیده شده است. دایره شمول این اصل آن قدر وسیع است که شامل هر نوع عملی اعم از حقوقی، غیرحقوقی و مسئولیت‌های ناشی از آن می‌شود. به عبارت دیگر وسعتش مساوی است با اعمال انسان در طول یک زندگی در اجتماع بشری.

اما از سوی دیگر می‌بینیم همین انسان، به‌طور مستقل و بودن ارتباط با دیگران زندگی نمی‌کند بلکه همواره سعی دارد در اجتماع منظم و صد البته با یک ارتباط و علقه تنگاتنگ با دیگران، حیات خویش را سپری سازد و این جاست که مهم‌ترین مانع این اصل به نام «نظم عمومی» پدیدار می‌گردد. چون زندگی کردن در یک جامعه تنها حق او نیست تا از هر مسئولیتی که از عمل او ناشی می‌شود رهایی یابد. باتوجه به مطلب فوق، یکی از مصادیق مورد شمول، مسئولیت‌هایی است که از اعمال انسان به دلیل نقض تعهدات قراردادی، ناشی خواهد شد. در حقوق ما شرط عدم یا تحدید مسئولیت در فرضی پذیرفته است که شرایط صحت معامله در آن احراز گردد. این شرط اگر متعارف و دارای منفعت عقلایی مشروع و دارای شرایط صحت باشد اثر آن محدود شدن میزان مسئولیت مشروطه در چارچوب همین شرط و قرارداد است.

شرط محدود کننده مسئولیت از نظر ماهیت، همانند شرط عدم مسئولیت است. هر دو از مسئولیت می‌کاهد، منتهی در یکی بخشی از ضمان از بین می‌رود و در دیگری تمام ضمان. از دیدگاه دیگر، شرط محدود کننده مسئولیت نیز نسبت به بخشی که بالاتر از سقف، مورد تراضی قرار می‌گیرد، شرط عدم مسئولیت است و هیچ تفاوت جوهری بین آن دو وجود ندارد؛ به عبارت دیگر مقصود از شرط عدم مسئولیت، از بین بردن و معاف کردن شخص از مسئولیت مدنی است. جایی که شخص به صورت قانونی مسؤول جبران زیان است به وسیله شرط عدم مسئولیت، تمام مسئولیت ناشی از عدم اجرای قرارداد یا سوء اجرای آن پیش از بروز تخلف از بین می‌رود.

در شرط عدم مسئولیت، یکی از طرفین قبول کند که طرف دیگر مسؤول خساراتی نباشد که در نتیجه تأخیر در اجرای قرارداد یا عدم اجرای آن احتمالاً وارد می‌سازد و بدین ترتیب زیان دیده احتمالی قبل از اینکه خسارت وارد شود، حق مطالبه آن را از خود ساقط می‌کند. از طرف دیگر شرط عدم مسئولیت ممکن است ناظر به رفع مسؤولیتهای غیر قراردادی (ضمان قهری) باشد که منظور از آن توافق زیان زننده و زیان دیده احتمالی در آینده است که موجب معافیت زیان زننده از مسئولیت ناشی از تقصیر یا بی‌احتیاطی خود یا به طور کلی معافیت از ضمان قهری است. در حقوق ما شرط عدم یا تحدید مسئولیت در فرضی پذیرفته است که شرایط صحت معامله در آن احراز گردد. این شرط اگر متعارف و دارای منفعت عقلایی مشروع و دارای شرایط صحت باشد اثر آن محدود شدن میزان مسئولیت مشروطه در چارچوب همین شرط و قرارداد است.

فصل نخست- مفهوم و ماهیت شرط عدم مسئولیت

گفتار نخست- مفهوم شرط عدم مسئولیت

« شرط عدم مسئولیت » مرکب از دو واژه حقوقی « شرط » و « عدم مسئولیت » است. شرط در لغت به تعهدی که در ضمن قراردادی آمده، شرط گفته می‌شود. تعبیر اهل لغت در تعریف شرط، مشابه است؛ مثلاً در قاموس چنین آمده است: الزام الشيء و التزامه فی البیع و نحوه متعهد ساختن و پذیرش تعهد در ضمن عقد بیع و مانند آن^۱، مسئولیت به معنای ضمانت و تعهد است. مسئولیت چیزی با کسی بودن، یعنی به گردن او، در عهده او، در ضمان و پایبندی او بودن است^۲ و بالتبع عدم مسئولیت به معنی عدم ضمان می‌باشد. هر یک از این دو کلمه جایگاه و نقش مهمی در مباحث حقوقی و توسعه دانش حقوق و اثر مستقیم در قراردادها و روابط حقوقی افراد دارد، و هر یک از دو واژه از گسترده ترین مباحث حقوقی است، زیرا شرط در تمام قراردادها وجود دارد و مسئولیت هم توأم با قراردادها مطرح می‌شود؛ چون مسئولیت ضمانت اجرای قراردادهاست. ترکیب این دو کلمه دامنه شرط را توسعه می‌دهد و نوع دیگری از شرط بر عداد شرطها افزوده می‌شود، ولی قلمرو مسئولیت را ضیق و محدود می‌سازد. ترکیب دو واژه مفهوم حقوقی جداگانه ای را تداعی می‌کند، معنای شرط ترکیبی آن است که یکی از طرفین عقد مسئول پیامدهای مترتب بر عقد و لاحق به عقد، نباشد. حقوق دانان شرط عدم مسئولیت را چنین تعریف کرده اند: شرطی است که بین مسئول و زیان دیده احتمالی آینده منعقد می‌گردد و به موجب آن، مسئول از پرداختن تمام یا بخشی از خساراتی که به واسطه نقض تعهدات قراردادی خویش ایجاد کرده است، معاف می‌گردد، به طوری که اگر این شرط وجود نداشت، متعهد ملزم به جبران خسارت می‌شد.

^۱ فیروزآبادی: القاموس المحیط، ناشر دارالکتب العلمیه، لبنان، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۳۶۸.

^۲ د. هخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۸۴۶۵.

در هر قراردادی معمولاً هر کدام از طرفین سعی می کنند تا میزان مسئولیت خود را به حداقل رسانده یا کلاً در قبال آن از خود رفع مسئولیت کنند و خود را از آثار و تبعات ناشی از عدم اجرای قرارداد برهانند و این خواسته اصولاً با درج شرط در قراردادها تأمین می شود.^۱ در منابع فقهی، شرط عدم مسئولیت تحت عنوان «شرط عدم ضمان یا اشتراط عدم ضمان»^۲، «شرط سقوط ضمان یا اشتراط ضمان»^۳، «شرط تبری از ضمان یا شرط برائت از ضمان»^۴ به کار رفته است. بدون اینکه تعریفی از آن ارائه شود. در کتب فقهی مصادیق و احکام شرط عدم ضمان یا شرط برائت، در ابواب مختلف به صورت پراکنده آمده است. مصادیق شرط برائت، در باب ضمان دیه، در بحث عاریه مضمونه (طلا و نقره)، در کتاب بیع، بحث ابراء از عیوب مبیع، مطرح شده است. در آثار برخی فقیهان مانند شیخ مفید، در باب عقود بیع، شرط برائت ذکر شده است. شیخ طوسی، ابن ادریس، شهید ثانی، ابن براجم، مقدس اردبیلی، علامه حلی، و صاحب جواهر در بحث دیات شرط برائت و عدم ضمان طیب را مطرح کرده اند، همچنین شهید ثانی و تعدادی زیاد از فقیهان در ضمان عاریه مضمونه و محقق بحرانی در باب ودیعه شرط برائت را ذکر کرده اند. در آثار فقیهان معاصر مانند امام خمینی، شرط عدم ضمان در باب عاریه آمده و مرحوم خویی در باب موجبات ضمان و باب عاریه مضمونه و سید محمد شیرازی در باب عاریه شرط مزبور را مطرح کرده ان صاحب جواهر پارا از این فراتر نهاده و شرط عدم مسئولیت در این مورد را فعلی معمول^۵ به بین عقلاً می داند و با استناد به عرف عقلاء در حقیقت به طور ضمنی استناد به عرف عقلاً را در سایر مصادیق شرط عدم مسئولیت تجویز می کند و باب پذیرش شرط عدم مسئولیت را باز می گذارد.^۶

در حقوق ایران، شرط عدم مسئولیت به توافق بین مسئول و زیان دیده احتمالی آینده تعبیر شده است که به موجب آن مسئولیت از پرداخت خسارت معاف می شود. در این توافق یکی از دو طرف قرارداد، قبول می کند که طرف دیگر مسئول خسارتی که احتمالاً به او وارد خواهد کرد، نمی باشد و زیان بیننده احتمالی قبل از ایجاد خسارت، حق مطالبه جبران آن را از خود سلب می کند. تمام مسئولیت ناشی از عدم اجرای قرارداد او یا تأخیر قرارداد یا سوء اجرای قرارداد، پیش از آنکه تخلف از قرارداد رخ دهد و خسارت پیدا شود اسقاط و سلب می شود.^۶

گفتار دوم-ماهیت شرط عدم مسئولیت

شروط صحیح در سه قالب شرط فعل، نتیجه و شرط صفت، بیان می شود. از عبارات برخی فقیهان شرط فعل فهمیده می شود و از آثار بعضی دیگر شرط نتیجه استنباط می شود. از عبارات برخی دیگر هم شرط فعل فهمیده می شود و هم شرط نتیجه. صاحب مفتاح الکرامه شرط نتیجه را ترجیح می دهد و می نویسد: «مقصود از شرط برائت این است که اگر موجب ضمان (ضرر) پدید آمد، حق و ضمان ثابت نشود. چنین امری از باب ضرورت هیچ بعدی ندارد و کسی که شرط کرده باید به آن وفا نماید.»^۷ از عبارات برخی فقیهان، شرط فعل فهمیده می شود، اگر چه به این موضوع تصریح نشده است. یکی از نویسندگان معاصر، شرط یاد شده را شرط فعل می داند و تصریح می کند: شرط برائت به این معناست که اگر ضمان پدید آید، بیمار متعهد می شود که آن را مطالبه نکند و در واقع برائت گونه شرط ترک فعل حقوقی است.

از عبارات برخی از فقیهان مانند محقق اردبیلی هم شرط فعل استنباط می شود و هم شرط نتیجه. ایشان ذیل روایت سکونی می نویسند: «مرجع البراء عدم المؤاخذه و عدم سقوط حق لو حصل و لا استبعاد فی لزوم الوفاء به بمعنی عدم ثبوت حق حینئذ او أنه یثبت و یسقط، فلا یکون اسقاطاً لما لیس بثابت»^۸.

به نظر می رسد که شرط برائت از گونه شرط فعل باشد؛ به این معنا که متعهد یا متعهدله در ضمن قرارداد شرط می کند که آن را مطالبه نکند و در واقع، شرط برائت نوعی ترک فعل حقوقی است.

^۱ نکوئی، محمد، شرط عدم مسئولیت (مطالعه تطبیقی)، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۱۵

^۲ مقدس اردبیلی، محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح الارشاد الاذهان، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۲، جلد ۱، ص ۳۷۴؛ به نقل از نکوئی

محمد، شرط عدم مسئولیت، ص ۱۶

^۳ علامه حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام، قم، ۱۴۲۲، موسسه امام صادق، ج ۵، ص ۲۱۴؛ به نقل از نکوئی، محمد، شرط عدم مسئولیت، ص ۱۶

^۴ طباطبائی یزدی، محمد کاظم، حاشیه مکاسب، قم، ۱۳۷۸، موسسه اسماعیلیان، ج ۱۹، ص ۸۷؛ به نقل از نکوئی، محمد، شرط عدم مسئولیت، ص ۱۶

^۵ امام خمینی، تحریر الوسیله، انتشارات موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۹، جلد ۱، ص ۵۹۴

^۶ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، انتشارات گنج دانش، ۱۳۵۴، جلد ۱، چاپ ۱، ص ۳۱۸

^۷ عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۲۸، جلد ۱۹، ص ۸۰۳

^۸ اردبیلی، احمد، مجمع الفائدة والبرهان، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۶؛ به نقل از اصغری، محمد جواد، مقاله شرط عدم مسئولیت در فقه امامیه و حقوق

افغانستان، پایگاه تخصصی نورمگز، شماره ۱۳۹۰، ۴

ماهیت شرط عدم مسئولیت را می توان به عنوان یک شرط ضمن عقد استنباط کرد. بنابراین شرط عدم مسئولیت، ماهیتاً شرطی است که در ضمن عقدی قرار داده می شود و به موجب آن مسئول از پرداخت خسارت معاف می شود، به گونه ای که نفس التزام عقدی منوط و موقوف به آن نمی گردد، بلکه در اثر اندراج شرط عدم مسئولیت در عقد رابطه ای بین شرط و عقد به وجود می آید و این رابطه بین عقد و شرط، رابطه اصل و فرع است. شرط عدم مسئولیت به عنوان یکی از انواع شرط ضمن عقد، تابع احکامی است که فصل چهارم قانون مدنی در باب شروط ضمن عقد، مقرر کرده است و آن عبارت است از ربط بین شرط و عقد، نه تقيید و اناطه عقد بر شرط، به شرحی که گذشت. در این صورت می توان گفت که در اثر شرط عدم مسئولیت، مندرج در قرارداد، اصل تعهد مقید و منوط به شرط عدم مسئولیت یا حذف و اصلاح نمی شود و مبانی و ارکان و شرایط اساسی عقد تغییر نمی کند، بلکه تعهد ایجاد شده و مبانی و ارکان خود را دارد و با شرط عدم مسئولیت، اصل تعهد به قوت و اعتبار خود باقی است و صرفاً مسئولیت ناشی از نقض تعهد از بین رفته و مسئول، از پرداخت خسارت معاف می شود.^۱

فصل دوم- مبانی فقهی و حقوقی اعتبار یا عدم اعتبار شرط عدم مسئولیت

گفتار نخست- مبانی حقوقی صحت شرط عدم مسئولیت

برای توجیه حقوقی شرط عدم مسئولیت علاوه بر اصل آزادی اراده به برخی مواد قانونی به شرح زیر می توان استناد نمود.

الف. ماده ۳۸۶ قانون تجارت

قانون تجارت کشور گر چه عدم مسئولیت کلی متصدی حمل و نقل را قبول نکرده ولی انتهای ماده ۳۸۶ مقرر داشته است: « قرارداد طرفین می تواند بر میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیاده تر از قیمت مال التجاره معین کند. » لذا به این ترتیب متصدی حمل و نقل می تواند با تعیین مبلغ کمی خود راز قید مسئولیت رها کند. به عبارت دیگر شرط کاهش مسئولیت مورد قبول واقع شده است.

ب- ماده ۳۸۱ قانون تجارت

در این ماده مقرر گردیده است «اگر عدل بندی عیبطاظر داشته باشد و متصدی حمل و نقل بار بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد مسئولی آوری خواهد بود. » بنابراین متصدی حمل و نقل در صورتی مسوول آوری خواهد بود که مال را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد و مفهوم مخالف آن چنین است که در صورت قبولی با قید عدم مسئولیت مسئول آوری نخواهد بود.

ج - ماده ۲۳۰ قانون مدنی

این ماده مقرر می دارد: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیه نماید حاکم نمی تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم کند.

بنابراین پذیرش وجه التزام نیز به نوعی پذیرش شرط عدم مسئولیت تلقی می گردد. با تعیین وجه التزام متعهد خود را از مسئولیت بیشتر، معاف می کند و از این بابت نوعی شرط عدم مسئولیت شمرده می شود و با وجود تفاوت بین شرط عدم مسئولیت و وجه التزام، در حالی که میزان خسارتی که وارد می شود از مبلغ وجه التزام بیشتر باشد با شرط عدم مسئولیت منطبق می گردد.

د- ماده ۴۳۶ قانون مدنی

ماده ۴۳۶ قانون مدنی چنین مقرر نموده است که « اگر بایع از عیوب مبیع تبری کرده باشد به این که عهده عیوب را از خود سلب کرده یا با تمام عیوب بفروشد مشتری در صورت ظهور عیب حق رجوع به بایع نخواهد داشت. »

در این ماده امکان سلب نمون مسئولیت عیوب کالا پیش بینی شده است و این ماده شرط عدم مسئولیت را صحیح دانسته است.

ه- ماده ۴۴۸ قانون مدنی

طبق ماده ۴۴۸ قانون مدنی: «سقوط تمام یا بعضی از اختیارات را می توان ضمن عقد شرط نمود». در صورتی که طرفین معامله سقوط اختیارات را شرط نمایند، در واقع مسئولیت خود را از این بابت سلب نموده اند. بنابراین شرط سقوط تمامی برخی از اختیارات نوعی شرط عدم مسئولیت می باشد.

و - مواد ۷۵۲ و ۷۵۴ قانون مدنی

طبق ماده ۷۵۲ قانون مدنی: «صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود. » بنابراین وقوع تنازع ضرورتی ندارد و اگر زمینه ایجاد دعوا باشد با انعقاد صلح از بروز نزاع پیش گیری می شود. شرط عدم مسئولیت نوعی صلح و مشروع خواهد بود، منتهی همانطور که در ماده ۷۵۴ مقرر شده است هر صلح نافذ است جز صلح بر امری که غیر مشروع باشد.

^۱ . کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ص ۷۱۷، چاپ ۸

ز - مواد ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

بر اساس ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی جدید: «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات و موازین فنی باشد، یا اینکه قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می گردد. و همچنین در ماده ۴۹۶ بیان داشته است: پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار یا مانند آن می نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آنکه مطابق ماده ۴۹۵ این قانون برائت حاصل کرده باشد. از مواد قانونیکه به آنها اشاره شد می توان صحت شرط عدم مسئولیت را استفاده کرد ولی در بند ۸ ماده ۵۴ قانون دریایی شرط عدم مسئولیت باطل دانسته شده است، در این ماده مقرر شده است: قید هر گونه شرط یا توافق در قرارداد باربری، به منظور سلب مسئولیت متصدی باربری یا کشتی یا محدود کردن مسئولیت مزبور، در مورد فقدان بار یا خسارات وارده به آن ناشی از غفلت و تقصیر و یا تسامح در انجام وظایف و تعهدات مصرحه در این باطل و بلا اثر خواهد بود.

باید توجه داشت که ماده ۵۴ شرط عدم مسئولیت را به طور کلی باطل ندانسته است بلکه مقتن در صدد آن بوده است تا از فرار متصدی باربری از مسئولیت اجرای تکالیف قانونی مصرح در قانون جلوگیری کند و شرط عدم مسئولیت نسبت به آنها را بلا اثر دانسته است و حتی خود این ماده می تواند دلیل پذیرش صحت شرط عدم مسئولیت باشد چرا که ممکن است شرط عدم مسئولیت نیز در صورت غیر منصفانه بودن، تحمیلی بودن و غرری شدن و برخی شرایط دیگر باطل و غیر قابل استناد باشد.

گفتار دوم- مبانی فقهی**بند نخست- مبانی فقهی صحت شرط برائت**

دیدگاه فقیهان پیرامون شرط یاد شده به دو دسته تقسیم می شود: اکثریت فقیهان قائل به صحت شرط هستند و تعداد قلیلی قائل به بطلان اند. موافقان معتقدند که اصل اولی اعتبار شرط است، عدم نفوذ و یا عدم صحت آن در برخی موارد ناشی از فقدان شرایط نفوذ و صحت می باشد، نه اینکه نقص از خود شرط باشد. دلیل اعتبار شرط برائت، قواعد کلی حاکم بر جواز و صحت قرار داده است. این قواعد کلی تحت عنوان «اوفوا بالعقود»، «قاعده شروط» و «قاعده تسلیط» آمده است که برآیند آنها رسمیت اصلی آزادی اراده است.

۱. عموم «اوفوا بالعقود»

کسانی که شرط برائت را صحیح می دانند، برای اعتبار این شرط به عموم آیه شریفه: یا ایهاالدین آمنواوفوا بالعقود^۱ استناد کرده اند. مرحوم مقدس اردبیلی، در باب شرط برائت از عیوب مبیع ضمن عقد بیع، وفای به این شرط را به دلیل «اوفوا بالعقود» بر طرفین لازم میداند.^۲ صاحب جواهر نیز در بحث مسقطات خیار مجلس، شرط سقوط خیار مجلس در ضمن عقد را به دلیل (اوفوا بالعقود) صحیح دانسته است، گر چه در معنا مفاد آیه احتمالات زیادی در کتب فقهی ذکر شده، یک احتمال این است که مراد از عقود همه عقود است، و آیه دلالت دارد بر وجوب عمل بر مقتضای هر عقدی که مردم آنرا منعقد می سازند. احتمال دیگر اینکه مراد از عقود، عقدهایی است که مردم در بین خودشان منعقد می سازند، غیر از عقود متداول فقهی.^۳

۲. قاعده شروط

یکی دیگر از قواعد فقهی مورد استناد بر اعتبار «شرط برائت» در فقه «قاعده شروط» است، مستند قاعده، حدیث مشهور «المسلمون عند شروطهم» و «المؤمنون عند شروطهم» است.^۴ اکثر فقیهان برای اعتبار شرط برائت به عموم این قاعده تمسک جسته اند، به ویژه در مورد شرط برائت طبیب، فقیهان بالاتفاق به قاعده شروط استناد نموده اند. خلاصه اینکه موافقان شرط عدم مسئولیت معتقدند: عموم قاعده شروط شامل شرط عدم مسئولیت می شود.^۵

^۱سوره مائده ۱.^۲اردبیلی، پیشین ص ۴۲۷/۸^۳نراقی، احمد، عواید الایام، مرکز النشر التاسع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷، ص ۱۶، ج ۱^۴حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۳، ص ۱۶/۱۸، ج ۱۲^۵مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه امیرالمومنین، ۱۳۷۹، ج ۵.

۳. قاعده تسلیط

یکی دیگر از قواعد معتبر فقهی، قاعده تسلیط است که طرفداران صحت شرط برائت به آن تمسک نموده اند. صاحب جواهر در بحث رهن، فرعی را مطرح میسازد: اگر کسی مالی را غصب نماید، بعد مالک، مال را به غاصب رهن دهد. رهن گیرنده ضامن تلف مال است، ولی اگر مالک ضمان را ساقط نماید، این اسقاط صحیح است. اگر کسی ادعا کند که این اسقاط صحیح نیست، چون اسقاط لما لم یجب است، ایشان استدلال می کند که اسقاط حق در صورتی که ذمه آمادگی ضمان داشته باشد صحیح است. دلیل صحت هم عموم «الناس مسلطون علی اموالهم» است.^۱ مستند قاعده، روایت مرسله (الناس مسلطون علی اموالهم) است. لازمه تسلیط بر اموال این است که همه عقود راجع به آن را نیز اجمالاً صحیح بدانیم.^۲ پس نتیجه قاعده تسلیط جواز اسقاط حق و صحت شرط عدم مسئولیت است.

بند دوم- مبانی فقهی بطلان شرط برائت

مخالفان شرط برائت، بر عدم اعتبار شرط یاد شده به دلایل ذیل تمسک نموده اند:

الف- لزوم ابراء مما لم یجب

مهمترین شایع ترین دلیل، بر عدم اعتبار و نفوذ شرط برائت که در فقه مطرح شده (لزوم ابراء مما لم یجب) است.^۳ فقیهان برای بطلان «شرط عدم ضمان» یا «شرط برائت» به ابراء مما لم یجب استناد کرده اند، به این معنا که شرط عدم ضمان یک نوع ابراء مما لم یجب است؛ ابراء مما لم یجب باطل است، پس شرط عدم ضمان هم باطل است.^۴

عقلاً اسقاط حق قبل از ثبوت باطل است. ولی اسقاط حق در محل ثبوت مانعی ندارد و از ناحیه اجماع اگر مقتضی شرط وجود داشته باشد. اسقاط اشکالی ندارد. اما در مورد شرط عدم مسئولیت، ما لم یجب صدق نمی کند، چون مقتضی (عقد) مسئولیت وجود دارد به نظر برخی از فقیهان، چیزی که مقتضی آن اکنون وجود دارد، و خودش بعداً محقق می شود اسقاط آن در محل ثبوت و در زمان وجود آن (آینده) اشکال ندارد.^۵ بنابراین، شرط عدم مسئولیت در واقع ابراء از دینی است که مقتضی آن ایجاد شده است، چون قرارداد موجد تعهداتی است که نقض آنها به مسئولیت طرف قرار داد منجر می شود. وقوع زیان، شرط ایجاد مسئولیت است، و ابراء از دینی که سبب آن ایجاد شده صحیح است، زیرا بازگشت سقوط ضمان، به سقوط آن در مرتبه وجودش می باشد، بطلان ابراء مما لم یجب: در جایی است که نه اشتغال ذمه باشد و نه سبب آن حاصل شده باشد و نه ضرورتی بر آن داعی باشد.^۶

ادعای عدم معقولیت در اسقاط خيار ممنوع است، چون مانعی از نظر عقلاً وجود ندارد که یکی امر اعتباری را انشاء کنند که هنوز ثابت نشده است، زیرا عقلاً در اعتبار چنین امری مانعی نمی بینند.

ب- مجهول بودن مورد شرط

یکی از شرایط اصلی مورد معامله و قراردادهای به نظر همه فقیهان، معلوم بودن مورد معامله است. چنانچه مورد معامله مبهم باشد، معامله فاسد است، در مورد شروط ضمن عقد نیز، معلوم بودن از شرایط صحت شرط است. پیامبر (ص) از معامله غری نهی نموده است؛ برخی شرط مجهول را خلاف کتاب دانسته و قائل به بطلان آن می باشند.^۷

اما در فقه امامیه، مشهور فقیهان امامیه برائت از حق مجهول را جایز میدانند. چونکه در ابراء از حق نامعلوم نزاعی پیش نمی آید. ولی شیخ طوسی قائل به عدم صحت شده است.

فصل سوم- موارد بطلان شرط عدم مسئولیت

شرط عدم مسئولیت اصولاً مخالف با مقتضای ذات عقد نیست.^۱ تنها مسئولیت ناشی از انجام ندادن تعهد با توافق طرفین عقد از متعهد سلب می شود و بقیه آثار عقد به اعتبار خود باقی می ماند.

^۱ نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱، ص ۲۵/۲۲۸

^۲ انصاری، پیشین، ص ۵/۶۲

^۳ اردبیلی، پیشین، ص ۱۴/۱۴۰

^۴ نجفی، پیشین ۴۷/۴۳

^۵ یزدی، پیشین، ۱۳۷۸، ص ۲/۸۷

^۶ میرزای قمی، میرزا ابوالقاسم، جامعه الشتات، مؤسسه کیهان، ۱۳۷۱، ص ۳/۸۴

^۷ خمینی همان، ص ۲/۱۲۵

تنها در مواردی که قانون صریحاً شرط عدم مسئولیت را باطل و ممنوع اعلام کرده یا به نظر دادگاه باطل تشخیص داده شود، شرط عدم مسئولیت اعتبار ندارد. موارد ذیل از جمله مواردی هستند که شرط عدم مسئولیت اعتبار ندارد.

گفتار نخست- فوت و صدمات بدنی

در فقه حفظ و سلامت نفس اعم از جان و عضو و دفع از نفس محترمه، به جهت اهمیت اجتماعی آن از بزرگترین مصالح اجتماعی^۲ و از اهم واجبات و مقدم بر واجبات دیگر و وجوب آن مورد اجماع است.^۳

شرط عدم مسئولیت در قبال فوت یا صدمات بدنی، مشمول بند ۳ ماده ۲۳۲ قانون مدنی بوده و باید باطل شناخته شود و متابعت قانون مدنی از موازین فقهی در زمینه شروط ضمن عقد، شرط عدم مسئولیت در قبال فوت یا صدمات بدنی از مصادیق بند ۳ ماده ۲۴۲ قانون مدنی و شرطی است نامشروع و غیر قانونی و در نتیجه باطل شناخته می شود. برخلاف امور مللی که قابل جبران هست ولی تن و روان انسان شریف تر از آن است که در بازار داد و ستد وارد شود.^۴

قانون دریایی ایران در فصل هشتم و در مورد حمل مسافر در ماده ۱۱۸، بطلان شرط عدم مسئولیت در قبال مسافر را پیش بینی کرده است، و به موجب ماده ۳۲ ضمیمه «A» کنوانسیون مربوط به حمل و نقل بین المللی از طریق راه آهن که در مورد حمل مسافر از طریق راه آهن بحث می کند، و ایران در سال ۱۳۶۴ (۱۹۸۵ م) به آن ملحق شده است،^۵ شرط عدم مسئولیت باطل و بلااثر خواهد بود ولی این بطلان تأثیری در اعتبار قرارداد حمل نخواهد داشت.

شرط عدم مسئولیت توافق بر وارد کردن یا تجمیل صدمات بدنی نمی باشد. بلکه توافقی است که به موجب آن در صورت ورود صدمات بدنی مسئولیتی وجود نداشته باشد. لکن این استدلال جنبه نظری دارد و در رویه قضایی وارد نشده است.

گفتار دوم- عمدی بودن خسارت

در مواردی که شخص به عمد باعث ورود خسارت می شود یا آگاهانه به اعمالی دست می زند که در نظر عرف در حکم عمد است، شرط عدم مسئولیت نمی تواند از تعهد او نسبت به جبران خسارت بکاهد.

بسیاری از نظام های حقوقی ارتکاب تقصیر سنگین یا عمده از سوی استناد کننده به شرط عدم مسئولیت را در حکم نقض عمدی قرارداد و هر دو را تابع حکم واحدی دانسته، در نتیجه آن را باطل تلقی می کنند.^۶

در قانون تجارت برخلاف قوانین پیش گفته، ماده ۳۹۱ به تقصیر عمده تصریح و عنوان کرده است که اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تادیه شود، دیگر دعوی علیه متصدی حمل و نقل پذیرفته نخواهد شد؛ مگر در خصوص تدلیس یا تقصیر عمده.

گفتار سوم- تدلیس

قرارداد می تواند از مسئولیت های متعارف دو هم پیمان بکاهد، ولی جواز امکان تقلب را به کسی نمی دهد و شرط عدم مسئولیت همراه با تدلیس همانند شرط عدم مسئولیت در برابر تقصیر عمدی و باطل است و استناد کننده به شرط عدم مسئولیت در صورت تدلیس، نمی تواند از آن بهره مند شود.

۱. امامی، اسدالله، عبدی، صادق. "تحلیل مبانی فقهی حقوقی شرط عدم مسئولیت قراردادی". نشریه مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۸، شماره دوم، سال اول، ص ۹۳

۲. «و من احيائها فكانما احياء الناس جميعاً» سوره مائده آیه ۳۲

۳. محقق کرکی، جامع المقاصد، موسسه ال البيت، قم، ۱۴۱۰، ص ۳۵۹، ج ۲؛ به نقل از نکوئی، محمد، شرط عدم مسئولیت، ص ۱۸۷

۴. کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۳۲۶

۵. مراجعه شود به ردیف ۱۴ از فهرست کشورهای عضو کنوانسیون در اسناد مربوط به حمل و نقل بین المللی از طریق راه آهن (COTIF)، ص ۷. به نقل

از نکوئی، محمد، شرط عدم مسئولیت، ص ۱۸۸

۶. افشار، حسن، کلیات حقوق تطبیقی، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۵، ص ۲۲۱.

نتیجه گیری

۱- در همه کشورها در یک محدوده خاصی، افراد در قراردادهایشان و یا بعد از قرارداد به توافق می‌رسند که مسئولیت متعهد در صورت تخلف از تعهدات قراردادی، منتفی شود. از دیدگاه حقوق موضوعه نیز چنین شرطی رواست، چراکه هیچ یک از قوانین موضوعه ممنوعیتی را برای چنین شرطی مقرر ننموده است. البته در بعضی موارد (مانند نقض تعهد ناشی از تقصیر عمدی یا تقصیر سنگین) شرط رفع و کاهش مسئولیت را باطل می‌دانند.

۲- قواعد مربوط به مسئولیت قراردادی، به دلیل این که براساس منافع خصوصی افراد وضع شده است، جزء قواعد تکمیلی است نه امری؛ بر همین مبنا، شرط مخالف با قوانین مربوط به مسئولیت قراردادی، شرط نامشروع و خلاف قانون تلقی نمی‌شود، در نتیجه شرط رفع و کاهش مسئولیت قراردادی از دیدگاه حقوق هم نامشروع نیست.

۳- با ملاحظه و بررسی کوتاهی که در زمینه اخلاق حسنه (اعم از مفهوم و مصادیق مخالف با آن) به عمل آمد، تردیدی باقی نمی‌ماند که شرط رفع مسئولیت مخالف با اخلاق حسنه نیست؛ چون موضوع اخلاق حسنه نشئت گرفته از دین، اعتقادات، عادات و آداب و رسوم است و مردم خود را براساس فطرت و ناموس اخلاقی، ملزم به تبعیت از آن می‌دانند، ولی موضوع مسئولیت قراردادی از عوامل ایجاد کننده اخلاق حسنه، ناشی نمی‌شود تا شرط مخالف آن، مخالف اخلاق حسنه محسوب و در نهایت مخالف نظم عمومی قلمداد شود، بلکه قانون مفهوم و محدوده آن را مشخص کرده است، و شرط خلاف آن باید مخالف قانون محسوب و بر این مبنا باطل شود. ما هم در جای خود ثابت کردیم که شرط رفع و کاهش مسئولیت مخالف قانون نیست.

۴- با بررسی‌های لازمی که در بعد نفی مبانی مخالفین و اثبات مبانی موافقین به عمل آمد، معلوم شد، صحت شرط رفع و کاهش مسئولیت را می‌توان به عنوان یک اصل پذیرفت، چون ثابت کردیم:

۱- شرط رفع و کاهش مسئولیت، اسقاط ما لم یجب نیست؛

۲- این شرط تطبیقی کامل با اصل پذیرفته شده آزادی اراده در فقه و حقوق موضوعه دارد، چون دو امر به اثبات رسید:

الف- وجود مقتضی (حاکمیت اراده)؛

ب- عدم وجود مانع (یعنی مخالفت نظم عمومی)، که نشئت گرفته از قانون و اخلاق حسنه است، به تعبیر دیگر، ثابت کردیم که شرط رفع و کاهش مسئولیت نه مخالف قانون است و نه اخلاق حسنه است.

۳- شرط رفع و کاهش مسئولیت، ریشه در منافع اقتصادی جامعه دارد.

۵- به موجب شرط عدم مسئولیت، مسئولیت ناشی از عدم اجرای قرارداد یا تاخیر آن پیش از این که تخلف از قرارداد رخ دهد و خسارت پیدا شود اسقاط و سلب می‌گردد. برای اثبات صحت شرط عدم مسئولیت می‌توان به روایات و قواعد فقهی از جمله قاعده شروط و تسلیط استناد نمود علاوه بر این در متون قانونی منع و نهی از این شرط دیده نمی‌شود و اشکالاتی همچون اسقاطا لم یجب بودن این شرط نیز، وارد نمی‌باشد؛ چرا که متکی به نص نبوده و علاوه بر این حتی فقها و حقوقدان هایی که آن را باطل دانسته اند.

۶- شرط عدم مسئولیت، مانند هر قرارداد باید همراه قصد و بدون اکراه بوده و آلوده به سوء استفاده، فریب، غرر و اضرار عمدی نباشد و قوانین امری را نیز نقض ننماید؛ در غیر این صورت نباید آن را نافذ دانست. اخلاق، نظم عمومی و قوانین امری از عوامل کنترل شرط عدم مسئولیت به شمار می‌روند.

۷- در صورتی که مدیون مرتکب عمد یا تقصیر سنگین نشده باشد پذیرش دعوی مسئولیت قهری موجب گشودن باب منازعه و اتلاف وقت و کاهش ارزش درج شرط عدم مسئولیت می‌گردد چرا که یکی از آثار مهم شرط عدم مسئولیت بستن باب نزاعهای جزئی و بیهوده و دادن فرصت ابتکار و فعالیت است و هنگامی که مدیون عمد یا عمل در حکم عمد مرتکب نشده است نباید دعوی مسئولیت قهری را مسموع دانست. در پاسخ به این که آیا می‌توان به نفع شخص ثالث شرط عدم مسئولیت درج نمود؟ باید گفت چون ثالث از این شرط منتفع می‌شود مانند تعهد به نفع ثالث و به استناد ادله صحت قراردادهای مانند آیه شریفه "أفوا بالعقود" و قاعده شروط می‌توان آن را صحیح دانست.

۸- اثر شرط عدم مسئولیت مانند سایر قراردادهای خصوصی، محدود به شخص زیان دیده نیست و بازماندگان نیز که به قائم مقامی او می‌توانند درخواست جبران زیان کنند باید مفاد شرط عدم مسئولیت را محترم شمارند. همچنین شرط عدم مسئولیت فی مابین متعاملین برابراشخاص ثالث نیز معتبر است و منافاتی با اصل نسبی بودن قراردادها ندارد و کمترین اثر شرط عدم مسئولیت آن است که بار اثبات را از دوش مدیون تعهد قراردادی برداشته و طلبکار باید تقصیر عمدی را اثبات کند.

۹- امروز کمتر بازرگانی است که درباره مسئولیتهای احتمالی آینده، خود را به دست تقدیر و حوادث بسپارد. بهترین راه این است که صنعتگر یا بازرگان مسئولیتها را بیمه کند و با پرداختن مبلغ معینی خود را آسوده خاطر سازد. این مبلغ نیز در زمره هزینه‌ها بر طرف قرارداد تحمیل می‌شود و در نتیجه قیمتها بالا می‌رود، در حالی که وجود شرط عدم مسئولیت از صرف هزینه‌های بیمه مسئولیت جلوگیری می‌کند و در واقع طرف قرارداد نقشی را که بیمه گر دارد به عهده می‌گیرد، پول اضافی بابت مخارج بیمه نمی‌پردازد و در برابر خسارت احتمالی را نیز پذیرا می‌شود. به اضافه، از بین رفتن نگرانی نسبت به آینده باعث تشویق سرمایه گذاری و رونق یافتن بازار تجارت است.

منابع و مراجع

- [۱] اردبیلی، احمد، مجمع الفائده والبرهان، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۶
- [۲] اصغری، محمد جواد، مقاله شرط عدم مسئولیت در فقه امامیه و حقوق افغانستان، پایگاه تخصصی نورمگز، شماره ۴، ۱۳۹۰
- [۳] افشار، حسن، کلیات حقوق تطبیقی. چاپ چهارم. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵،
- [۴] امام خمینی، تحریر الوسیله، انتشارات موسسه اسماعیلیان، قم، جلد ۱، ۱۴۰۹
- [۵] امامی، اسدالله، عبدی، صادق. "تحلیل مبانی فقهی حقوقی شرط عدم مسئولیت قراردادی". نشریه مجتمع آموزش عالی قم، شماره دوم، سال اول، ۱۳۷۸
- [۶] انصاری، محمد علی، موسوعه الفقیهه المیسره، جلد ۱، ۱۴۱۵
- [۷] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، انتشارات گنج دانش، جلد ۱، چاپ ۱، ۱۳۵۴
- [۸] حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل اشیه، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۲، ۱۴۱۳
- [۹] دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، جلد ۱۳۷۳، ۱۲
- [۱۰] طباطبائی یزدی، محمد کاظم، حاشیه مکاسب، قم، موسسه اسماعیلیان، ج ۱۹، ۱۳۷۸
- [۱۱] عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه، موسسه نشر اسلامی، قم، جلد ۱۹، ۱۴۲۸
- [۱۲] علامه حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام، قم، موسسه امام صادق، ج ۵، ۱۴۲۲
- [۱۳] فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، نشر دارالکتب العلمیه، لبنان، جلد دوم، ۱۹۹۷ م
- [۱۴] کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۴، ۱۳۹۴
- [۱۵] کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۸، ۱۳۶۸
- [۱۶] محقق کرکی، جامع المقاصد، موسسه ال بیت، قم، ص ۳۵۹، ج ۲، ۱۴۱۰
- [۱۷] مقدس اردبیلی، محمد، مجمع الفائده والبرهان فی شرح الارشاد الاذهان، موسسه نشر اسلامی، قم، جلد ۱، ۱۴۱۲
- [۱۸] مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه امیرالمومنین، ج ۵، ۱۳۷۹
- [۱۹] میرزای قمی، میرزا ابوالقاسم، جامعه الشتات، موسسه کیهان، ۱۳۷۱
- [۲۰] نجفی محمد حسن، جواهر الکلام بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴، ۱۹۸۱
- [۲۱] نراقی، احمد، عوائد الاسلام، مرکز النشر التاسع لمکتب الاعلام الاسلامی، ج ۱، ۱۴۱۷
- [۲۲] نکوئی، محمد، شرط عدم مسئولیت (مطالعه تطبیقی)، میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰
- [۲۳] سوره مائده